## اشاره

اصطلاحات مختلف علم دینی و اسلامی مطرح شد؛ در بحث از «اسلامی سازی علوم» دوازده اصطلاح اشاره شد. به نظریه تطبیق و عرضه علوم بر دین و مفروضات حوزه دین و معارف دین و همینطور قلمرو دین نیز اشاره شد.

نظریه سوم را که کمتر مورد توجه واقع شده است، بررسی می‌کردیم. با حفظ مرزهای علوم، نظریات تولید شده در فلسفه بشری و علوم بشری را می‌توان با دین مقایسه کرد(امکان تطبیق وجود دارد). در حوزه استناد به دین، ما تلقی حداکثری همانند دیدگاه استاد جوادی آملی نداریم، در مقابل دیدگاه حداقلی غربگرا را نیز قبول نداریم. عرضه علوم تجربی و انسانی بر دین، متوقف بر سلسله مباحثی است که اشاره شد، قلمرو دین، اصالت المولویه و عدم ارشادیت اینکه لکلّ واقعة حکم و ...

### دخالت دین در دنیا

در بحث از دخالت دین در امور دنیا، به دو مطلب اشاره می‌شود:

**مطلب اول:** در دخالت دین در مسایل دنیوی؛ یک سؤال اساسی آن است که آیا دین برای تنظیم دنیا آمده است یا نه؟ احتمالات به قرار زیر است:

1. دین برای تنظیم امور آخرت آمده است نه دنیا.

2. دین برای آخرت و برای مسایل روحی و روانی افراد در دنیا نیز آمده است؛ دین باید مسایل روانی بشر را تنظیم و مدیریت کند.

3. قلمرو دین، حوزه زندگی دنیایی و فیزیکال بشر(زندگی فردی و اجتماعی)، دنیای درونی و روانی افراد و نیز امور اخروی آنان است. تنظیم امور دنیایی(و لو اینکه در امور اخروی هیچ نوع دخالت نداشته باشد)، مور نظر دین است.

برای حل و نتیجه گیری و اظهار نظر نهایی می‌بایست ادله عقلی و نیز ادله قرآنی و روایی ملاحظه شود.

**مطلب دوم:** عوامل تأثیر گذار در سعادت اخروی

بر فرض مقبولیت احتمال اول (دخالت دین در سعادت اخروی و نه امور دنیایی)؛ چه چیزهایی در سعادت و تنظیم زندگی اخروی تأثیر دارد؟ اعمال عبادی و یا اوصاف نفسانی درونی انسان در آخرت اثر دارد؟ یا همه انواع اعمال و رفتارهای انسان در سعادت اخروی اثر دارد؟

در پاسخ به پرسش فوق کمیت عقل لنگ است؛ فلسفه نمی‌تواند در مورد میزان تأثیر دنیا در سعادت آخرت نظر دقیق بدهد. فقط در حد کلیات چیزهایی می‌فهمد. از طرفی علوم بشری و تجربی، کم توان‌تر از علوم عقلی است؛ زیرا محدوده علوم تجربی، همین دنیا است و اثبات و نفی ربط امور دنیا به آخرت و درجات تأثیر گذاری دنیا بر آخرت را نمی‌تواند بفهمد. پس مباحث آخرتی در تیررس فهم عقلانی و تجربی نمی‌باشد. البته عقل و فلسفه در امور کلی اخروی نظر دارد و لو محدود، اما علوم بشری بالکل دراین بحث ناتوان محض است، بلکه حوزه کاری این علوم نمی‌باشد.

اگر کسی اصل دین را ثابت کرد، علم اجمالی (احتمالات) گریبان وی را می‌گیرد؛ زیرا احتمال در این بحث منجّز است. لذا در بحث پیشینی و فرا‌دینی، مسایل دین به خصوص مباحث جزئی معاد قابل اثبات نیست، لذا باید رفت به سراغ دین و بحث درون دینی کرد. در تعیین قلمرو و انتظار بشر از دین و تأثیرگذاری زندگی دنیوی بر آخرت، به دین نیاز داریم. پس نیاز ما به نقل نیاز کمی نیست.